



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
دوره ۱۵ / شماره ۱ (پیاپی ۵۸) / تابستان ۱۴۰۵  
صفحه ۱۴۱ تا ۱۶۷

## تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته

علی نقی‌زاده

دانشجوی دکتری مهندسی مالی، گروه حسابداری و مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
ali.naghizadeh@gmail.com

نرگس یزدانیان

استادیار حسابداری، گروه حسابداری و مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول)  
nargesyazdaniyan@gmail.com

سیدعلیرضا میرعرب بیگی

استادیار حسابداری، گروه حسابداری و مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
mirarab\_alireza@yahoo.com

کیومرث آریا

استادیار علوم اقتصادی، گروه حسابداری و مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران  
kiumarsarya86@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

### چکیده

هدف از این پژوهش تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته است. تحقیق حاضر به‌لحاظ هدف، کاربردی، به‌لحاظ روش استنتاج، توصیفی-تحلیلی و به‌لحاظ طرح‌کلی تحقیق، پس‌روبیادی است. نمونه‌هایی مورد استفاده برای این مطالعه، داده‌های ۹۵ کشور نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته طی سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۰۵ می‌باشد. در سطح توصیفی تحلیل داده‌ها، از آماره‌های میانگین و انحراف معیار استفاده شد. علاوه بر این، داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزار ایویوز از طریق خود رگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی پنبلی (PARDL) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد در کوتاه‌مدت بین اقتصادسایه‌ای و ارکان نهاده‌محور کشورهای نفتی در حال توسعه رابطه معناداری وجود دارد اما رابطه معنی‌داری بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان کارایی‌محور و خلاقیت‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه تأیید نشد. همچنین در بلندمدت، بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان نهاده‌محور و خلاقیت‌محور کشورهای نفتی در حال توسعه رابطه معناداری وجود دارد، اما رابطه معنی‌داری بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان کارایی‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه تأیید نشد. مضافاً این‌که در کوتاه‌مدت، رابطه معنی‌دار بین هیچ‌کدام از ارکان رقابت‌پذیری و اقتصادسایه‌ای کشورهای نفتی توسعه‌یافته تأیید نگردید. این در حالی است که در بلندمدت، بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان نهاده‌محور، کارایی‌محور و خلاقیت‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی توسعه‌یافته رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این در بلندمدت، بین اقتصادسایه‌ای و شاخص سهولت در کسب و کار هر دو گروه کشورهای نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته رابطه معناداری وجود دارد اما در کوتاه‌مدت رابطه معنی‌دار بین شاخص سهولت در کسب و کار و اقتصادسایه‌ای هر دو گروه کشورهای نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته تأیید نگردید

**واژه‌های کلیدی:** اقتصاد سایه‌ای، رقابت‌پذیری، سهولت کسب و کار.

## ۱- مقدمه

در بسیاری کشورها، دولت‌ها بخش زیادی از درآمدهای بالقوه خود را به‌خاطر وجود «اقتصاد سایه‌ای» از دست می‌دهند، اقتصادی که از آن تحت عناوینی هم‌چون «بازار سیاه»، «اقتصاد غیرقابل مشاهده» یا «اقتصاد زیرزمینی» نیز یاد می‌شود. این پرسش مطرح است که «اقتصاد سایه» چیست و چگونه تعریف می‌شود؟ در این راستا، تعاریف و روش‌های گوناگونی برای اندازه‌گیری این بخش از اقتصاد ارائه شده است. اما شاید در میان آنها بتوان رایج‌ترین تعریف را به این صورت ارائه کرد: «اقتصادسایه‌ای» به آن بخش از تولیدات و خدمات قانونی بازار گفته می‌شود که بنا به دلایلی از چشم مقامات ناظر دولتی دور نگه داشته می‌شوند؛ دلایلی هم‌چون: (۱) خودداری از پرداخت انواع مالیات نظیر مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده؛ (۲) خودداری از پرداخت سهم امنیت اجتماعی؛ (۳) خودداری از عمل به برخی قوانین بازار نیروی کار هم‌چون قانون حداقل دستمزد و (۴) خودداری از انجام برخی فرآیندهای اداری. به‌علاوه، می‌توان تولیدات و خدمات غیر قانونی هم‌چون قاچاق و داد و ستد کالاها ممنوعه که در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شوند را نیز در تعریف «اقتصاد سایه» گنجانند. در این میان، از جمله متغیرهای بسیار مهم که می‌تواند بر انگیزه افراد برای فعالیت در بخش غیررسمی تاثیر گذار باشد، میزان رقابت‌پذیری و وجود بستری است که دولت‌ها می‌توانند برای رقابت بهتر صنایع و شرکت‌ها در قیاس با کشورهای دیگر ایجاد کند. به عبارتی هر چه فضای کلی اقتصاد رقابتی‌تر باشد و قوانین عادلانه‌تر و انحصارها کمتر وجود داشته باشد، افراد برای بهره‌گیری از حمایت‌های قانونی، تمایل بیشتری برای فعالیت در بخش رسمی دارند. در همین رابطه هدف از پژوهش حاضر، تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته است.

## بیان مسأله

مجموعه فعالیت‌های اقتصادی به دو بخش کلی تقسیم می‌گردند: فعالیت‌های رسمی و فعالیت‌های غیررسمی و قسمت عمده‌ای از فعالیت‌های غیررسمی نیز در قالب اقتصاد سایه‌ای سازماندهی می‌شوند (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۹). شواهد نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه در بخش غیررسمی انجام می‌شود (صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). حضور گسترده بخش غیررسمی به این معناست که درجه سیاست‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی از برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و قدرت اعمال نظارت دولت، پایین است و در نتیجه آن نیز عدم تحقق سیاست‌های اقتصادی دولت یا انحراف آن‌ها از نتایج مورد نظر است (رنانی و دیگران، ۱۳۹۱؛ آذرمنند، ۱۳۸۶). از سوی دیگر طی سالیان اخیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) با بحران اقتصادی، تورم بالا، بازپرداخت بدهی‌های خارجی و رشد جمعیت نیروی کار به خصوص در مناطق شهری (در نتیجه تداوم مهاجرت روستایی) مواجه بوده‌اند. بنابراین تحت این شرایط انتظار می‌رود بخش غیررسمی رشد بیشتری را تجربه کرده باشد. در این صورت بخش زیادی از فعالیت‌های اقتصادی از شمول حمایت‌های دولتی خارجی می‌شود و در نتیجه می‌توان چالش جدی در جهت تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های دولت باشد. به نحوی که

<sup>1</sup> International Monetary Fund

شماری از تحلیل‌گران یکی از دلایل شکست برنامه‌های اصلاحی در اقتصاد ایران را بزرگی بخش غیررسمی می‌دانند (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۹؛ شهاب و پژویان، ۱۳۹۴).

در طول سه دهه گذشته، بخش غیررسمی در مقیاس جهانی گسترش یافته است به طوری که برخی از برآوردها حاکی از این است که ۶۰ درصد از شاغلان در کل کشورهای جهان، غیررسمی هستند. به گزارش سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی<sup>۱</sup>، سه چهارم از شاغلان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، دو سوم از شاغلان در جنوب و جنوب شرق آسیا، نیمی از شاغلان در کشورهای آمریکای لاتین و خاورمیانه و در نهایت یک چهارم از شاغلان در کشورهای در حال گذار در اشتغال غیررسمی هستند (دیوین<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). بنابراین با توجه به حجم زیاد اقتصاد سایه‌ای باید تاثیر آن نیز بزرگ و قابل توجه باشد. در این راستا کشورهای توسعه یافته تا حد زیادی توانسته‌اند زمینه‌های کوچک‌تر کردن اقتصادی سایه‌ای را فراهم آورند و به تبع آن تاثیر آن بر اقتصادشان را کنترل نمایند. اما در میان کشورهای در حال توسعه اقتصادی سایه‌ای بسیار بالاتر است و تا دو و نیم برابر کشورهای توسعه یافته گزارش شده است، لذا ضرورت اعمال تدابیر لازم را دو چندان می‌نماید.

بر اساس ادبیات تجربی و نظری، دلیل اصلی بزرگ بودن اقتصاد سایه‌ای، به انگیزه کارگزاران اقتصادی برای فرار مالیاتی و عدم پرداخت آن مربوط می‌باشد. انگیزه و محرک اصلی ماورای فعالیت‌های سایه‌ای، عوامل اقتصادی بوده و دلیل عمده تمایل به چنین فعالیت‌هایی، ایجاد مجموعه‌ای از فعالیت‌های غیرشفاف به منظور فرار از چارچوب‌های قانونی است (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۹؛ شهاب و پژویان، ۱۳۹۴؛ مدینا و اشنایدر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸ و ایلات و زینس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). اقتصادسایه‌ای شامل تمامی فعالیت‌هایی است که هم از جنبه اقتصادی مولد و هم غیرمولد، قانونی می‌باشند اما به دلایل مختلفی مانند اجتناب از پرداخت مالیات بر درآمد، ارزش افزوده یا دیگر مالیات‌ها، خودداری از پرداخت هزینه‌های تأمین اجتماعی از چشم مقامات عمومی پنهان نگهداشته می‌شود (اشنایدر، ۲۰۱۱؛ نگوین و دونگ<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱).

صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۸) عواملی از قبیل بار مالیاتی، کیفیت نهادها یا فساد، قوانین و مقررات و کیفیت خدمات بخش عمومی را از علل ایجاد اقتصاد سایه‌ای کشورها بر می‌شمارد. بنابراین یکی دیگر از علل بزرگ بودن اقتصاد سایه‌ای در کشورهای جهان (به خصوص اقتصادی‌های وابسته به نفت) می‌تواند محیط کسب و کار نامناسب و فضای غیررقابتی در کشورها باشند. در مقابل وجود فضای مناسب باعث می‌شود که افراد هم در زمینه‌گرفتن مجوزهای لازم و هم در زمینه قوانین بازار، بدون تبعیض و با خیال راحت فعالیت‌های خود را پیگیری نمایند. بنابراین هرچه فضای کسب و کار در کشورها مناسب‌تر باشد، می‌تواند انگیزه کارگزاران اقتصادی را برای فعالیت در بخش سایه‌ای کاهش دهد. لذا با توجه به ضعف کشورهای نفتی در این بخش در قیاس با کشورهای توسعه یافته به نظر می‌رسد این متغیر گویایی بیشتری از فرار مالیاتی برای بزرگ بودن بخش غیررسمی اقتصادهای نفتی داشته باشد.

<sup>1</sup> OECD

<sup>2</sup> Devine

<sup>3</sup> Medina and Schneider

<sup>4</sup> Eilat and Zinnes

<sup>5</sup> Nguyen and Duong

در کنار مباحث مربوط به فضای کلی اقتصاد، عملکرد خود دولت نیز با توجه به اینکه، ارائه دهنده کالاهای عمومی در اقتصاد است، می‌تواند بسیار اهمیت داشته باشد. بنابراین هرچه دولت به عنوان گیرنده مالیات و یگانه تولید کننده کالاهای عمومی، کارایی و عملکرد بهتری داشته باشد، می‌تواند بر انگیزه افراد در اجتماع برای فعالیت در بخش رسمی تاثیر بیشتری بگذارد.

در مطالعات مختلف در مورد علل شکل‌گیری اقتصاد سایه‌ای به طور کلی به مباحث مربوط به فرار مالیاتی توجه ویژه شده است. این در حالی است که در مطالعات داخلی و خارجی، عواملی مانند وجود بستر رقابتی و سهولت ایجاد کسب و کار اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین با توجه به تناقض‌های نظری و عملی مشاهده شده در مورد رفتار مالیاتی دولت‌ها و انگیزه افراد برای فعالیت در بخش غیررسمی در کشورهای نفتی در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، به نظر می‌رسد برای دید بهتر در مورد علل و انگیزه فعالیت افراد و شرکت‌ها در بخش سایه‌ای باید مطالعاتی با در نظر گرفتن عواملی غیر از بار مالیاتی انجام گیرد.

### اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

با توجه به اینکه در زمینه موضوع اقتصاد سایه‌ای تحقیقات کمی در سطح کشور انجام شده است، نتایج این پژوهش می‌تواند از جنبه پرداختن به رابطه بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان رقابت‌پذیری موجبات گسترش و توسعه نظریه‌های موجود را فراهم آورد و پایه‌ای برای موضوعات دیگر باشد. در همین رابطه و در تبیین اهمیت نظری موضوع و دلیل دغدغه محقق برای توجه به رویکرد اقتصاد سایه‌ای و ارکان رقابت‌پذیری در کشورهای نفتی در حال توسعه اظهار می‌گردد؛ شواهد نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه در بخش غیررسمی انجام می‌شود (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۸). این در حالی است که کشورهای توسعه یافته تا حد زیادی توانسته‌اند زمینه‌های کوچک‌تر کردن اقتصادی سایه‌ای را فراهم آورند و به تبع آن تاثیر آن بر اقتصادشان را کنترل نمایند. اما در میان کشورهای در حال توسعه، اقتصاد سایه‌ای سهم بسیار بالاتر دارد و تا دو و نیم برابر کشورهای توسعه یافته گزارش شده است (آجیده و دیگران، ۲۰۲۲). لذا ضرورت اعمال تدابیر لازم را دو چندان می‌نماید.

اقتصاد سایه‌ای منابع حیاتی را از اقتصاد رسمی جذب و تا حدی مانع اجرای سیاست‌هایی می‌شود که برای منافع عمومی ضروری هستند. اگرچه برخی از اقتصادهای سایه‌ای، ممکن است اثرات مفیدی برای برخی شهروندان یا حتی اقتصاد رسمی یک کشور داشته باشند، لیکن در کل اقتصاد سایه‌ای به رقابت کشور آسیب می‌رساند. زیرا اعتماد شرکت‌های خارجی به آن کشور و در نتیجه احتمال همکاری آن‌ها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر رقابت می‌تواند انگیزه‌هایی برای وارد کردن عملیات‌های زیرزمینی به سطح زمین و در نتیجه مبارزه با اقتصاد اعلام‌نشده ارائه دهد (پوفیناس و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). در همین رابطه همبستگی اقتصاد سایه‌ای با رشد اقتصادی در ادبیات از طریق یک سری مطالعات تجربی پوشش داده شده و تعداد زیادی از تحقیقات در رابطه با رقابت‌پذیری و توسعه-اقتصادی کشورها نیز منتشر گردیده است. در نتیجه، از آنجا که اقتصاد سایه‌ای و توسعه اقتصادی به هم مرتبط هستند و رقابتی بودن یک عامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی است، بررسی اینکه آیا و چگونه این دو به هم متصل

<sup>۱</sup> Poufinas et al.

هستند، منطقی به نظر می‌رسد. این مطالعه با استفاده از روش‌های مناسب اقتصاد سنجی، به دنبال یافتن شواهدی است که نشان دهد هر چه یک کشور رقابتی‌تر باشد، با توجه به شاخص رقابت‌پذیری جهانی، تولید ناخالص داخلی سرانه و ...، اقتصاد سایه آن کوچک‌تر می‌باشد. لذا به جهت وجود شکاف تحقیقاتی در این حوزه، ضرورت انجام تحقیق حاضر توسط محقق احساس شد.

علاوه بر این، انجام این تحقیق در شناخت مسائل مرتبط با اقتصاد سایه‌ای بسیار حائز اهمیت است و یافته‌های تحقیق می‌تواند کارشناسان را برای اجرای بهتر اهداف و حل پیچیدگی‌های موجود یاری دهد. بنظر می‌رسد مسئله اقتصاد سایه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشورهای نفت‌خیز، مورد غفلت زیادی قرار گرفته و عملاً توجه چندانی به این موضوع نمی‌شود.

### اقتصاد سایه‌ای

اقتصادسایه‌ای بعد از جنگ جهانی دوم و در پی دخالت دولت‌ها در عرصه‌های اقتصاد و بدنبال آن که به ایجاد انگیزه‌های قوی در فعالین اقتصادی برای رفتن به سمت بخش غیررسمی منجر شد، مورد توجه قرار گرفت (جعفری صمیمی و دیگران، ۱۳۹۶).

نقطه شروع تقریباً همه بحث و مشاجرات مربوط به اقتصاد سایه‌ای، چگونگی تعریف آن یا چگونگی برآورد اندازه آن است. از آنجا که اصطلاح "اقتصاد سایه‌ای" شامل فعالیت‌های اقتصادی زیادی است، تهیه یک تعریف رسمی دشوار است. به طور کلی می‌توان درک کرد که اقتصاد سایه‌ای شامل فعالیت‌های اقتصادی افرادی است که خارج از هنجارهای رسمی و نهادهای رسمی هستند (انست<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸).

در مورد اقتصادسایه‌ای تعریف مورد توافقی در ادبیات اقتصادی وجود ندارد (اگونک و یلماز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). اقتصاد کشورهای در حال توسعه را می‌توان با بررسی دو بخش اقتصاد رسمی و اقتصاد غیررسمی (سایه‌ای) باز شناخت. بخش اقتصادرسمی در پرتو منابع، گزارش‌ها و داده‌های مندرج در آمارگیری‌ها و سرشماری‌ها و همچنین با مطالعه ساختار آن به سادگی قابل شناسایی است اما شبکه پیچیده و ناپیدای اقتصاد سایه‌ای را ناگزیر باید با کند و کاوهای پژوهشی شناسایی و ارزیابی کرد و نقش کمی و کیفی این پدیده را در اقتصاد کشور دریافت (اسمعیل پوریان کاندستار، ۱۳۹۹).

تدز<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در تعریف بسیار گسترده، اقتصادسایه‌ای می‌تواند تمام معاملات را شامل شود، قانونی و غیرقانونی، بازاری و غیربازاری که عمداً از تولید ناخالص داخلی خارج می‌شوند یا از مبنای مالیات حذف شده یا فعالیتی که توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده نمی‌شود.

<sup>1</sup> Enste

<sup>2</sup> Oğunc and Yilmaz

<sup>3</sup> Tedds

اقتصاد سایه‌ای که با نام‌های دیگری از جمله اقتصاد زیرزمینی<sup>۱</sup>، غیررسمی<sup>۲</sup>، سیاه<sup>۳</sup>، ثبت نشده<sup>۴</sup>، غیر قانونی<sup>۵</sup> و ... نیز شناخته می‌شود، شامل تمام فعالیت‌ها و کسب و کارهایی است که خارج از رادار نظارت‌های رسمی انجام می‌شود (جعفری صمیمی و اکبری، ۱۳۹۲).

فیگ<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) چهار دسته را اقتصاد سایه‌ای می‌داند: نخست، اقتصاد غیرقانونی به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی نقض قانون اشاره دارد، مانند تجارت غیرقانونی دارو، تولید و توزیع کالاهای ممنوعه و بازار سیاه ارز. دوم، اقتصاد گزارش نشده بیانگر درآمدی هست که به مقامات دولتی و مالیاتی گزارش نشده است. مانند فرار مالیاتی. سوم، اقتصاد ثبت نشده که اختلاف درآمد و تولید واقعی را در پی دارد. چهارم، اقتصاد غیررسمی که از قراردادهای کاری، مجوزهای تجاری و از قوانین و سیستم اجتماعی پیروی نمی‌کنند.

اقتصاد سایه‌ای، مجموعه‌ای از فعالیت‌های مؤثر ارزش افزوده است که در قوانین اقتصاد رسمی تعریف و گنجانده نمی‌شود. فعالیت‌های خارج از بازار خانوار و سازمان‌های غیرانتفاعی و نیز آن گونه فعالیت‌های بازار که به دلایل گوناگون دور از چشم مقامات می‌ماند، مجموعه فعالیت‌های اقتصاد سایه‌ای را به وجود می‌آورد (عمادزاده و رفیعی طباطبایی، ۱۳۹۱).

جدول زیر تعریف مورد توافق مناسب برای اقتصاد زیرزمینی (یا سایه) را ارائه می‌دهد. از جدول زیر واضح است که یک تعریف گسترده اقتصاد سایه‌ای، درآمد گزارش نشده تولید کالاها و خدمات قانونی هریک از معاملات پولی یا داد و ستد کالا که در صورت گزارش، مشمول مالیات می‌شوند.

جدول ۱- طبقه‌بندی انواع فعالیت‌های اقتصاد سایه‌ای

معاملات غیر پولی		معاملات پولی		انواع فعالیت‌ها
مبادله کالایی مواد مخدر، کالاهای دزدی، قاچاق و ...، تولید یا کاشت مواد مخدر برای مصرف خودش، سرقت برای مصرف خودش		تجارت کالاهای سرقتی، معامله و تولید مواد مخدر، قمار، قاچاق، کلاهبرداری و ...		فعالیت‌های غیرقانونی
اجتناب مالیاتی	فرار مالیاتی	اجتناب مالیاتی	فرار مالیاتی	
همه کار را خود انجام‌دهی و آشنایان کمک کند.	مبادلات کالا با کالاها و خدمات قانونی	تخفیفات کارمندان، مزایای جانبی	درآمد گزارش نشده از خوداشتغالی؛ دستمزدها، حقوق و دارایی‌های از کار گزارش نشده مرتبط با کالاها و خدمات قانونی	فعالیت‌های قانونی

مأخذ: اشناپدر و بوئن (۲۰۱۸)

<sup>1</sup> Underground economy

<sup>2</sup> Informal

<sup>3</sup> Black

<sup>4</sup> Unrecorded

<sup>5</sup> Illegal

<sup>6</sup> Feige

## پیامدهای وجود اقتصاد سایه‌ای

وجود اقتصاد سایه‌ای آثار و پیامدهایی بر اقتصاد کشورها دارد. از جمله آن می‌توان به پدید آمدن مشکلات پولی و مالی، اختلال در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی، عدم تشخیص صحیح وضعیت اقتصاد، اعمال سیاست‌های نامناسب و بی‌نتیجه بودن تدابیر اجتماعی اشاره کرد که با توسعه این بخش، آمارهای کلان رسمی و اقتصادی انحراف می‌یابند. بنابراین، اطلاع از آمار و ارقام فعالیت‌های بخش اقتصاد سایه‌ای برای اعمال سیاست‌های کارا و مناسب، اهمیت بالایی را دارند (حسینی و نصراللهی، ۱۳۹۶).

اقتصاددانان معتقدند که گسترش اقتصاد سایه‌ای هم پیامدهای منفی و هم مثبت برای اقتصاد و خود جامعه دارد. بنابراین باید هنگام اجرای سیاست اقتصادی کشور در نظر گرفته شود. بنابراین، هر پدیده یا روند اجتماعی اقتصادی می‌تواند مزایا و معایب خود را داشته باشد و اقتصاد سایه‌ای نیز از این قاعده مستثنی نیست زیرا ماهیت آن نیز دوگانه است. پس پیامدهای اقتصاد سایه‌ای را می‌توان در دو دسته مثبت و منفی قرار داد (مندروشچنکو<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۱۸).

## عوامل مؤثر بر اقتصاد سایه‌ای با تأکید بر درآمدهای نفتی

به گفته پژوهشگران درباره نقش نفت در توسعه کشور در کل دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: از یک طرف غالب صاحب‌نظران اعتقاد دارند که نفت منابع مالی چشمگیری را برای مصرف و سرمایه‌گذاری در ایران به ارمغان آورده و بدین ترتیب امکان رشد سریعتری را هم برای در آمد ملی و هم برای مصرف فراهم کرده است. بدون شک در نبود نفت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی با چنین سرعتی امکان‌پذیر نبود (اسمعیل پوریان کاندستار، ۱۳۹۹). از طرف دیگر، برخی معتقدند که ضعف‌های ساختاری و نهادینه جامعه ایران موانعی برای استفاده مناسب از پتانسیل درآمدهای نفتی ایجاد و بعضاً رانت‌های نفتی آن ضعف‌ها را تشدید کرده است. در نتیجه در حالی که درآمد نفت از بعضی جهات به مصرف و تولید در ایران کمک کرده، از جهات دیگر باعث عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی شده است. البته چنانچه از استدلال این گروه بر می‌آید مشکل نه در نفت که در ساختارهایی نهفته است که شیوه استفاده از نفت را تعیین می‌کنند. به همین خاطر، گروهی از هواداران این دیدگاه معتقدند که با کوشش جهت جبران ضعف‌های ساختاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌توان اثر مثبت نفت بر اقتصاد ایران را تقویت کرد. ولی عده زیادی هم مشکل اصلی را وجود رانت‌های نفتی می‌دانند. به نظر آن‌ها، نفت در مجموع بلای بزرگی برای ایران بوده است (اسمعیل پوریان کاندستار، ۱۳۹۹).

درآمدهای نفتی بخش مهمی از درآمدهای ارزی کشورهای صادرکننده نفت را به خود اختصاص می‌دهد و فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی متأثر از آن می‌باشد. ایران به عنوان چهارمین کشور نفت‌خیز جهان در صورت مدیریت صحیح عواید نفتی، می‌تواند به توسعه اقتصادی دست یابد، حال آن که چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، عدم مدیریت صحیح نه تنها منجر به توسعه اقتصادی نشده، بلکه وابستگی بیش از پیش به درآمدهای نفتی را به ارمغان آورده است و موجب شده تا در صورت افت قیمت نفت از یک سو بودجه‌ی دولت با چالش مواجه

<sup>۱</sup> Mandroshchenko

و در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و مالی دولت خلل ایجاد شود و از سوی دیگر گرانی و تورم که یکی دیگر از پیامدهای اصلی کاهش درآمدهای نفتی است را بر دوش افراد جامعه بار کند (رشیدی و موسوی، ۱۳۹۸). تأثیر درآمد حاصل از منابع طبیعی بر روی اقتصاد سایه‌ای در مطالعات مختلف بحث شده است. ارزیابی اثر این متغیر بر اقتصاد سایه‌ای با توجه به نقش آن در اقتصاد ایران می‌تواند با اهمیت تلقی گردد. با افزایش درآمدهای نفتی بودجه جاری دولت افزایش می‌یابد. این امر تورم را نیز افزایش می‌دهد. در نتیجه تمایل به شرکت در فعالیت‌های زیرزمینی زیاد می‌شود. بنابراین، با افزایش درآمدهای نفتی انتظار می‌رود اقتصاد سایه‌ای افزایش یابد (مطلبی و دیگران، ۱۳۹۸).

برآورد کارشناسان این است که ۸۰ تا ۹۰ درصد درآمدهای صادراتی ایران و ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه سالانه دولت را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهند. منبع اصلی کمک‌های مالی و یارانه‌ها، درآمدهای نفتی است. پس متغیرهای کلان اقتصادی به طور مستقیم به نوسانات نفت و درآمدهای نفتی وابسته می‌باشند (اسمعیل پوریان کاندستار، ۱۳۹۹).

### شاخص رقابت‌پذیری

امروزه بنگاه‌های اقتصادی بدون فروش در سطح جهانی و تولید فراملیتی، امکان روبرویی با رقبای خود را تقریباً از دست می‌دهند؛ چرا که با تولید فراملیتی می‌توان قیمت تمام شده محصول را تنزل داد و با فروش در سطح گسترده و بازارهای جهانی حاشیه سود را در رقابت با بنگاه‌های دیگر، کاهش داد. در واقع، رقابت در بهره‌وری، چهره امروز اقتصاد در سطح جهان است. اقتصادی که نتواند در چنین رقابت تنگاتنگی، بهره‌وری و دانش تولید خود را بهبود دهد، تنها قادر به فروش مواد خام و اولیه خواهد بود و زمانی که این مواد به اتمام برسد، اقتصاد با بحران بزرگی مواجه خواهد شد (شهیکی تاش و دیگران، ۲۰۱۶).

به دلیل اهمیت ویژه این مسئله، اخیراً شاخص رقابت‌پذیری جهانی<sup>۱</sup> مطرح شده است که مجمع جهانی اقتصاد<sup>۲</sup> هر ساله گزارش آن را منتشر می‌کند. در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، شاخص جهانی رقابت‌پذیری به‌عنوان ابزاری جامع برای اندازه‌گیری اصول بنیادین اقتصاد خرد و کلان رقابت ملی استفاده می‌شود. رتبه‌ها در این گزارش نشان‌دهنده میزان توانایی هر کشور برای فروش و تأمین محصولات و خدمات خود و توان هر کشور در دستیابی به رفاه اقتصادی پایدار در کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. شاخص رقابت‌پذیری کشورها در محدوده ارقام ۱ تا ۷ به طور کمی محاسبه می‌شود، بر این اساس هرچه شاخص به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد، قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است. این شاخص، متوسط وزنی اجزای گوناگونی است که جنبه‌های مختلف رقابت‌پذیری را اندازه‌گیری می‌کند. این اجزا در سه رکن کلی الزامات اساسی، عوامل افزایش کارایی و عوامل فناوری جای می‌گیرند. سه رکن اساسی رقابت‌پذیری خود به ۱۲ زیر شاخه تقسیم می‌شوند. در مجموع ۱۹۹ معیار در محاسبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی تعیین‌کننده است (شهیکی تاش و دیگران، ۲۰۱۶).

<sup>۱</sup> Global Competitiveness Index (GCI)

<sup>۲</sup> World Economic Forum (WEF)

## رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و اقتصاد سایه‌ای

مبنای نظری ارتباط بین رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی را باید در فرایند توسعه جست‌وجو کرد. بر اساس تئوری‌های توسعه مانند تئوری روستو (۱۹۹۰)، توسعه، فرایندی چندمرحله‌ای است؛ بدین صورت که بدون موفقیت در یک-مرحله، امکان طی مرحله دیگر وجود ندارد. اما آنچه در هر مرحله از فرایند توسعه اتفاق می‌افتد که باعث جهش اقتصادی می‌شود، به رقابت‌پذیر شدن اقتصاد مرتبط است (رفاح کهریز و دیگران، ۱۳۹۸).

درواقع مبنای تئوریک بین رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد اقتصادی را باید در تحولات نوین اقتصاد جهانی جست‌وجو کرد. امروزه، اقتصاد پدیده‌ای بدون مرز جغرافیایی تعریف می‌شود. پاسخ به نیاز مشتریان و سهم‌بری مناسب از بازار، نیازمند تولید فراملیتی و بهبود روزانه بهره‌وری است. زمانی که در بستر تحولات نوین اقتصادی، رقابت شدید بهره‌وری و نوآوری حاکم است، اگر اقتصادی نتواند توانایی رقابت خود را بهبود دهد یا حداقل حفظ کند، نیل به رشد اقتصادی با مانع بسیار جدی روبه‌رو خواهد بود. در چنین وضعیتی تنها هدف و تمرکز اقتصاد، روی حفظ بازار داخلی خواهد بود و تمام توان اقتصاد در مسیر مقابله با ورود کالاهای خارجی برای حفظ بنگاه‌های تولیدی داخلی (که تنها در بازار داخلی عمل می‌کنند)، به کار خواهد رفت. نتیجه چنین عملکردی، رشد اقتصادی پایین و پرنوسانی خواهد بود. لذا رشد اقتصادی در دنیای مدرن نمی‌تواند جدا از بهبود رقابت‌پذیری باشد. بنابراین امروزه، وقتی از رشد و توسعه یک کشور یا منطقه صحبت می‌شود، شکل‌گیری مفهوم رقابت‌پذیری از جمله مباحثی است که بررسی می‌شود (رفاح کهریز و دیگران، ۱۳۹۸).

برای بررسی دقیق مبنای نظری رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی باید مبنای نظری ۱۲ رکن تعیین‌کننده شاخص رقابت‌پذیری جهانی (یعنی نهادها، زیربنایها، فضاهای اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش در سطوح ابتدایی، آموزش عالی و تربیت نیروی انسانی، کارایی بازار کالا، کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، تکنولوژی، اندازه بازار، مهارت‌های کسب‌وکار و نوآوری و رشد اقتصادی تجزیه و تحلیل شود (کوردالسکا و اولکزیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

## پیشینه تحقیق

یونس<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۲۲)، پژوهشی را با عنوان "شمول مالی، اقتصاد سایه‌ای و رشد اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه" انجام دادند. در این مطالعه تأثیر شمول مالی و اندازه اقتصاد سایه‌ای را بر رشد اقتصادی اقتصادهای در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. در حالی که در اقتصادهای در حال توسعه، اندازه اقتصاد سایه تأثیر منفی قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارد.

ایشاک و فرزنانگان<sup>۳</sup> (۲۰۲۲)، پژوهشی را با موضوع چگونگی تأثیر شوک‌های قیمت نفت بر بروز اعتراضات در یک کشور و اینکه اندازه اقتصاد سایه‌ای یک کشور بر این رابطه تأثیر می‌گذارد، مورد بررسی قرار دادند. با استفاده

<sup>۱</sup> Kordalska and Olczyk

<sup>۲</sup> Younas

<sup>۳</sup> Ishak and Farzanegan

از داده‌های تابلویی از ۱۴۴ کشور، از دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۵، شواهدی بدست آمد که شوک‌های منفی قیمت نفت به‌طور قابل توجهی اعتراضات را در کشورهای دارای اقتصاد سایه‌ای کوچک افزایش می‌دهد.

وو و اشنايدر<sup>۱</sup> (۲۰۲۱)، پژوهشی را با عنوان "غیرخطی بودن اقتصادسایه‌ای و توسعه‌اقتصادی" انجام دادند. این مطالعه یک رابطه طولانی مدت U شکل بین تولید ناخالص داخلی سرانه و اندازه اقتصاد سایه‌ای را با استفاده از مجموعه داده‌های ۱۵۸ کشور نشان می‌دهند. به نظر نویسندگان الگوی U شکل بین اقتصاد سایه‌ای و تولید ناخالص داخلی سرانه ارزش بررسی بیشتر را دارد.

دیوین<sup>۲</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهشی تأثیر نهادها و نحوه تأثیر نهادها در شکل‌گیری اقتصاد سایه‌ای را مورد بررسی قرار داد. به این منظور تغییرات در اندازه اقتصاد غیررسمی به تغییرات در محیط نهادی و چرخه‌سیاسی پیوند داده شد تا دلیل بزرگی و پایداری اقتصاد غیررسمی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه را نشان دهد. تجزیه و تحلیل این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر شاخص‌های کیفیت مؤسسات مالی، محیط تجاری و نظارتی و محیط‌سیاسی و قانونی بر اقتصاد غیررسمی، قابل توجه هستند.

نگوین و دونگ<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهشی تأثیر اقتصاد سایه‌ای و فساد را به همراه هزینه‌های عمومی، باز بودن تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، تورم و درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی کشورهای بریکس<sup>۴</sup> را مورد بررسی قرار دادند. داده‌های این مقاله از بانک جهانی، شفافیت بین الملل و بنیاد هریتیج در دوره ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۷ جمع‌آوری شد. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های عمومی و باز بودن می‌تواند رشد اقتصادی کشورهای بریکس را افزایش دهد. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تورم و درآمد مالیاتی بر این رشد تأثیر مثبت دارند. علاوه بر این، یافته اصلی نویسندگان این است که اقتصاد سایه‌ای و کنترل فساد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای بریکس دارد.

باکلوتی و بوجلبنه<sup>۵</sup> (۲۰۲۰)، پژوهشی را با عنوان "مدل معادله همزمان رشد اقتصادی و اقتصادسایه‌ای: آیا تفاوتی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد؟" انجام دادند. این مطالعه ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی و اقتصادسایه‌ای را برای ۱۷ کشور در حال توسعه و ۳۳ کشور توسعه یافته طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۱۵ ایجاد می‌کند. مشخص شد که رابطه بین رشد اقتصادی و اقتصاد زیرزمینی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا<sup>۶</sup> یک طرفه است، اما در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۷</sup> دو طرفه است. نتایج همچنین نشان داد که کیفیت نهادی به شدت با رابطه بین رشد اقتصادی و اقتصادسایه‌ای تعامل دارد.

<sup>1</sup> Wu and Schneider

<sup>2</sup> Devine

<sup>3</sup> Nguyen and Duong

<sup>4</sup> BRICS Countries

<sup>5</sup> Baklouti and Boujelbene

<sup>6</sup> Middle East and North Africa (MENA)

<sup>7</sup> Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

سahنون و ابدناهر<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای اثرات و پیوندهای علی بین اقتصادسایه‌ای و نرخ‌بیکاری، با استفاده از یک مدل داده پانل معادله همزمان پویا برای ۳۸ کشور در حال توسعه و ۴۰ کشور توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۵ مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل نشان داد که یک علیت یک‌طرفه و منفی از نرخ بیکاری تا اقتصاد سایه‌ای در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته بین اقتصادسایه‌ای و نرخ‌بیکاری رابطه علی دوسویه و منفی وجود دارد.

شریفی و دیگران (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای، یک الگوی (TVP-FAVAR) با هدف بررسی تأثیر توسعه مالی و فرار مالیاتی بر بخش زیرزمینی اقتصاد ایران به همراه سایر متغیرهای مرتبط بررسی نمودند. به این منظور از داده‌های سری زمانی در بازه ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۴ و دو ابزار توابع واکنش آنی و تجمعی استفاده شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پویایی اقتصاد زیرزمینی در واکنش به اعمال شوکی به اندازه یک انحراف معیار در توسعه مالی روند نزولی و بر اثر تکانه فرار مالیاتی واکنش صعودی دارد.

کارآزموده فرد و دیگران (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای، علیت بین توسعه مالی (بانک محور و سهام محور) و اقتصاد زیرزمینی در اقتصاد ایران به روش علیت همسائو<sup>۲</sup> طی دوره‌ی زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۶ مورد بررسی قرار داده شد. بر اساس نتایج، شاخص اقتصاد زیرزمینی در اقتصاد ایران قبل از شوک نفتی ۱۳۵۲ و همچنین دوره‌ی انقلاب و جنگ (۱۳۵۶-۱۳۶۸) از سطح پایین و روند کاهنده برخوردار بوده است. اما در بقیه سال‌های مورد مطالعه روند آن به صورت تقریبی افزایشی بوده است.

فلاحتی و دیگران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "کیفیت نهادی، رانت منابع طبیعی و اقتصاد سایه‌ای" به بررسی اثر رانت منابع طبیعی و کیفیت نهادی بر اقتصاد سایه‌ای در ۸۷ کشور با تورم بالا و تورم پایین طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۰ پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که در هر دو گروه کشورهای با تورم پایین و کشورهای با تورم بالا، افزایش کیفیت نهادی، اقتصاد سایه‌ای را کاهش داده و رانت منابع طبیعی نیز رابطه‌ای مثبت با اقتصادسایه‌ای داشته است.

شهبازی و دیگران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان "اثرات نامتقارن اقتصاد سایه‌ای بر توسعه مالی در ایران" به بررسی تاثیر شوک‌های مثبت و منفی اقتصاد سایه‌ای بر توسعه مالی را طی دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ در کوتاه‌مدت و بلندمدت در ایران پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاثیر شوک‌های مثبت و منفی اقتصادسایه-ای بر توسعه مالی در بازه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت نامتقارن بوده و این عدم تقارن به این صورت است که در کوتاه‌مدت و بلندمدت شوک منفی اقتصادسایه‌ای، تأثیر بیشتری نسبت به شوک مثبت آن دارد.

شاه‌آبادی و دیگران (۱۳۹۹)، پژوهشی را با عنوان "اندازه‌گیری اقتصاد زیرزمینی در کشورهای منتخب در حال توسعه دارای فراوانی منابع طبیعی" انجام دادند. در این مطالعه، اندازه اقتصاد زیرزمینی کشورهای منتخب در حال توسعه دارای فراوانی منابع طبیعی طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۵ برآورد شد. نتایج تخمین اقتصاد زیرزمینی

<sup>1</sup> Sahnoun and Abdennadher

<sup>2</sup> Hsiao Causality

نشان داد که اندازه اقتصاد زیرزمینی در کشورهای منتخب در حال توسعه دارای فراوانی منابع طبیعی طی دوره مورد بررسی همراه با نوساناتی بوده اما در مجموع این روند افزایشی است.

### روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی، تحلیلی است و به لحاظ نوع داده‌ها پس رویدادی است. برای گردآوری اطلاعات این پژوهش از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده گردیده و برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از بانک‌های اطلاعاتی، مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت و کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) می‌باشد. بر این اساس اطلاعات مربوط به ۷۲ کشور در حال توسعه صادرکننده نفت غیرعضو OECD که اطلاعات آنها در بازه تحقیق در دسترس باشد، جزو نمونه تحقیق خواهد بود. همچنین اطلاعات این متغیرها برای ۲۳ کشور توسعه‌یافته عضو سازمان OECD (که اطلاعات آنها در طول بازه زمانی تحقیق موجود باشد) جمع‌آوری خواهد شد. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری ساده در دسترس استفاده شده است. در واقع، نمونه این پژوهش تمامی کشورهایی است که اطلاعات آنها برای متغیرهای تحقیق موجود باشد. بر این اساس، تعداد ۹۵ کشور با شرایط مورد نظر مطابقت داشتند.

در این پژوهش برای بررسی فرضیات در ابتدا مدل پژوهش با استفاده از روش مدل خود رگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی پنلی (PARDL) برای کشورهای صادرکننده نفت (منابع طبیعی) تخمین زده می‌شود تا تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای پژوهش در این دو مجموعه کشور مشخص گردد. سپس برای بررسی دقیق‌تر، تأثیرات ارکان و عوامل رقابت‌پذیری بر اقتصاد سایه‌ای در ایران از روش مارکوف سوئیچینگ-ور استفاده می‌شود.

### مدل و متغیرهای اصلی پژوهش و نحوه سنجش آن

در این پژوهش برای بررسی فرضیه‌ها، به تبعیت از تحقیقات دیوین (۲۰۲۱)، مدینا و اشمیت (۲۰۱۸)، حاجیلی و همکاران (۲۰۱۷)، از رابطه (۱) استفاده شده است:

$$SHD_{it} = \beta_0 + \beta_1 EDB_{it} + \beta_2 GCIF_{it} + \beta_3 GCIE_{it} + \beta_4 GCHI_{it} + e_{it} \quad (1)$$

که در آن:

$(SHD_{it})$ : اقتصاد سایه‌ای<sup>۱</sup>؛

برابر درصدی از تولید ناخالص داخلی برای کشور مورد نظر در سال مورد نظر می‌باشد.

$(EDB_{it})$ : شاخص سهولت در انجام کسب و کار<sup>۲</sup>؛

<sup>1</sup> shadow economy

<sup>2</sup> Ease of doing business index

شاخص سهولت در انجام کسب و کار برای کشور مورد نظر در سال مورد نظر بدست می‌آید. شاخصی است ایجاد شده توسط بانک جهانی رتبه بالاتر در آن (عدد کوچک‌تر) نشان دهنده مقررات بهتر، معمولاً ساده‌تر، برای کسب و کارها و حمایت‌های قوی تر از حقوق مالکیت خصوصی است.

(GCI<sub>IT</sub>): شاخص رقابت‌پذیری در ارکان نهاده محور<sup>۱</sup>:

براساس تئوری‌های اقتصادی توسعه و فروض محاسبه شاخص جهانی رقابت‌پذیری (GCI) اقتصادی که در مرحله اول توسعه و به تعبیر گزارش رقابت‌پذیری جهانی، نهاده محور قرار دارد، با سایر کشورها تنها براساس عوامل طبیعی خود یعنی منابع طبیعی و نیروی کار بدون مهارت ابتدایی رقابت می‌نماید. بنگاه‌ها نیز در فروش کالاها و محصولات خود براساس قیمت‌های پایه رقابت می‌نمایند که این بهره‌وری پایین آن‌ها به دستمزدهای پایین منجر می‌شود. حفظ رقابت در این مرحله از توسعه، در درجه نخست به عملکرد خوب نهاده‌های دولتی و خصوصی، توسعه مناسب زیرساخت‌ها، فضای با ثبات اقتصاد کلان و نیروی کار سالم که حداقل آموزش اولیه را دیده است، بستگی خواهد داشت.

(GCI<sub>E</sub><sub>IT</sub>): شاخص رقابت‌پذیری در ارکان کارایی محور<sup>۲</sup>:

بهره‌وری اقتصادی که در مرحله بالاتری از رقابت قرار دارد، با بالا رفتن درجه توسعه‌یافتگی، افزایش یافته و دستمزدها افزایش می‌یابند. در این مرحله کشور به سوی سطح دوم توسعه یعنی کارایی محور پیش می‌رود. با افزایش کارایی تولید، کیفیت تولیدات و دستمزدها افزایش می‌یابند، اما قیمت‌ها نمی‌توانند زیاد شوند. در این مرحله، رقابت از طریق آموزش و تربیت در سطوح عالی، کارایی بازار کالا، عملکرد خوب بازار کار، بازارهای مالی توسعه‌یافته، توانایی بهره‌برداری از مزایای فناوری‌های موجود و یک بازار بزرگ داخلی یا خارجی افزایش خواهد یافت.

(GCI<sub>I</sub><sub>IT</sub>): شاخص رقابت‌پذیری در ارکان خلاقیت محور<sup>۳</sup>:

در نهایت، کشوری که در مرحله نوآوری (خلاقیت محور) قرار می‌گیرد، دستمزدها تنها در صورتی که کسب و کار توان رقابت با محصولات جدید و منحصر به فرد را دارا باشد، افزایش خواهند یافت. در این مرحله بنگاه‌ها می‌بایست با تولید کالاهای جدید و گوناگون با استفاده از پیچیده‌ترین فرایندهای تولید و نوآوری‌های جدید رقابت نمایند.

<sup>1</sup> Global Competitive Index (factor-driven)

<sup>2</sup> Global Competitive Index (efficiency-driven)

<sup>3</sup> Global Competitive Index (innovation-driven)

جدول 2- متغیرهای تحقیق، نحوه محاسبه و منبع

بازه زمانی	منبع	تعریف	نماد	متغیر
۲۰۰۵-۲۰۲۰	Medina and Schneider, (IMF)	درصدی از تولید ناخالص داخلی برای کشور مورد نظر در سال مورد نظر	SHD <sub>it</sub>	اقتصاد سایه‌ای
	World Bank	متشکل از ۱۰ زیر شاخص	EDB <sub>it</sub>	شاخص سهولت در کسب و کار
	World Economic Forum	متشکل از ۴ زیر شاخص	GCI <sub>f it</sub>	ارکان نهاده‌محور رقابت‌پذیری
		متشکل از ۶ زیر شاخص	GCI <sub>i it</sub>	ارکان کارایی‌محور رقابت‌پذیری
		متشکل از ۲ زیر شاخص	GCI <sub>e it</sub>	ارکان خلاقیت‌محور رقابت‌پذیری

## فرضیه‌های پژوهش

## فرضیه‌های اصلی پژوهش

- فرضیه ۱: بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان نهاده‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۲: بین اقتصادسایه‌ای و ارکان کارایی‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۳: بین اقتصادسایه‌ای و ارکان خلاقیت‌محور رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه وجود دارد.
- فرضیه ۴: بین اقتصاد سایه‌ای و شاخص سهولت در کسب و کار کشورهای نفتی در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در کوتاه مدت و بلندمدت رابطه وجود دارد.

## یافته‌های تحقیق

## آماره‌های توصیفی

جدول ۳، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

در جدول ۳، در خصوص متغیر اقتصاد سایه‌ای، مقدار میانگین ۳۸/۰۶۶ می‌باشد که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است؛ مقدار میانه ۳۵/۶ می‌باشد که نشان دهنده آن است که نیمی از داده‌ها از آن کوچک‌تر و نیمی دیگر بزرگ‌تر از آن هستند؛ بزرگترین مقدار متغیر اقتصاد سایه‌ای ۴۳۵ و کمترین آن ۵/۵ می‌باشد. همچنین انحراف معیار با مقدار ۲۲/۲۰۶ بوده که معرف پراکندگی داده‌ها از مقدار میانگین است؛ با توجه به مقدار ۴/۸۳۳ چولگی برای متغیر اقتصاد سایه‌ای، توزیع کاملاً متقارن نیست و همین‌طور مقدار ۷۹/۹۲۲ برای کشیدگی، مقدار قله‌ی توزیع مورد نظر از توزیع نرمال بالاتر است.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (کشورهای نفتی در حال توسعه)

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اقتصاد سایه‌ای	38/066	35/6	435/0	5/5	22/206	4/833	79/922
سهولت در کسب‌وکار	67/042	66	148	1	37/074	0/168	2/054
ارکان نهاده‌محور	71/084	74	169	0	37/286	0/091	2/351
ارکان کارایی‌محور	63/137	58	146	2	33/325	0/403	2/308
ارکان خلاقیت‌محور	75/447	80	96	10	16/491	-1/387	4/937

منبع: یافته‌های محقق

### تخمین مدل PARDL

نتایج حاصل از برآورد بلندمدت و کوتاه مدت تاثیر اقتصادسایه‌ای ( $SHD_{it}$ ) بر ارکان نهاده‌محور ( $GCI_{it}$ )، ارکان کارایی‌محور ( $GCI_{it}$ )، ارکان خلاقیت‌محور ( $GCI_{it}$ ) رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه برای دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۵ رویکرد (PARDL) در جدول ۴-۰ نشان داده شده است:

جدول ۴-۰ نتایج برآورد بلندمدت و کوتاه مدت اقتصاد سایه‌ای بر ارکان رقابت‌پذیری کشورهای نفتی در حال توسعه

بلند مدت				
نام متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
GCI	0/018	0/002	7/848	0/000
GCI <sub>F</sub>	-0/004	0/002	-2/361	0/018
GCI <sub>E</sub>	0/000	0/001	0/093	0/926
کوتاه مدت				
D(GCI)	-0/003	0/004	-0/688	0/492
D(GCI <sub>F</sub> )	0/016	0/007	2/416	0/016
D(GCI <sub>E</sub> )	0/000	0/004	0/018	0/986
عرض از مبدا	17/078	1/823	9/428	0/000
روند	0/313	0/060	5/211	0/000
تصحیح خطا	-0/538	0/040	-13/425	0/000

منبع: یافته‌های محقق (نرم افزار ایویوز)

نتایج حاصل از برآورد با لحاظ عرض از مبدا و روند، نشان‌دهنده آن است که در بلندمدت، بین اقتصاد سایه-ای ( $SHD_{it}$ ) و ارکان کارایی‌محور ( $GCI_{it}$ )، ارکان نهاده‌محور ( $GCI_{it}$ ) کشورهای نفتی در حال توسعه رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش یک واحدی شاخص ارکان کارایی‌محور، انتظار می‌رود که رتبه اقتصاد سایه‌ای را ۰/۱۸ واحد افزایش یابد و همین‌طور در صورت افزایش یک واحدی ارکان نهاده‌محور رتبه اقتصاد

سایه‌ای را  $0/004$  واحد کاهش می‌یابد. این در حالی است که رابطه معنی‌دار بین اقتصاد سایه‌ای و ارکان خلاقیت-محور رقابت‌پذیری ( $GCIe_{it}$ ) کشورهای نفتی در حال توسعه تایید نشد. علاوه بر این، در کوتاه‌مدت نیز رابطه معنی‌دار بین هیچ‌کدام از ارکان رقابت‌پذیری و اقتصاد سایه‌ای، تایید نگردید. همچنین، ضریب جمله تصحیح خطا در جدول ۴-۰ نشان‌دهنده وجود رابطه کوتاه‌مدت معناداری بین متغیرهای الگو است. این ضریب در سطح احتمال یک درصد معنادار و دارای علامت منفی است، به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود در هر دوره، حدود  $0/538$  واحد انحراف رابطه کوتاه‌مدت از مسیر بلندمدت تعدیل شود. ضریب یادشده در این مدل نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت رابطه تعادلی بلندمدت است. بر این اساس اثر یک شوک بر متغیرهای رقابت‌پذیری در کوتاه‌مدت حدود دو دوره ( $1/186$ )<sup>۱</sup> زمان به طول خواهد انجامید و پس‌از آن، رابطه کوتاه‌مدت نیز در مسیر رابطه تعادلی بلندمدت قرار خواهد گرفت. همچنین، نتایج حاصل از برآورده کوتاه‌مدت و بلندمدت تاثیر اقتصاد سایه‌ای ( $SHD_{it}$ ) بر شاخص سهولت در کسب و کار ( $EDB_{it}$ ) کشورهای نفتی در حال توسعه برای دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۵ رویکرد در (PARDL) در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- نتایج برآورد بلندمدت و کوتاه‌مدت تاثیر اقتصاد سایه‌ای بر شاخص سهولت در کسب و کار کشورهای نفتی در حال توسعه

بلندمدت				
نام متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
EDB	0/061	0/011	5/763	0/000
کوتاه مدت				
D(EDB)	-0/006	0/069	-0/082	0/935
عرض از مبدا	15/575	1/563	9/967	0/000
روند	0/275	0/058	4/787	0/000
تصحیح خطا	-0/551	0/042	-13/052	0/000

منبع: یافته‌های محقق (نرم افزار ایویوز)

نتایج حاصل از برآورد با لحاظ عرض از مبدا و روند، نشان‌دهنده آن است که در بلندمدت، بین اقتصاد سایه-ای ( $SHD_{it}$ ) و شاخص سهولت در کسب و کار ( $EDB_{it}$ ) کشورهای نفتی در حال توسعه رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش یک واحد شاخص سهولت در کسب و کار، انتظار می‌رود که رتبه اقتصاد سایه‌ای  $0/061$  واحد افزایش یابد این در حالی است که در کوتاه‌مدت، رابطه معنی‌دار بین شاخص سهولت در کسب و کار و اقتصاد سایه‌ای کشورهای نفتی در حال توسعه تایید نگردید. ضریب جمله تصحیح خطا در

<sup>۱</sup> حاصل تقسیم یک بر ضریب تصحیح خطا

جدول ۵ نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت معناداری بین متغیرهای الگو است. این ضریب در سطح احتمال یک درصد معنادار و دارای علامت منفی است، به‌گونه‌ای که انتظار می‌رود در هر دوره، حدود  $0/551$  واحد انحراف رابطه کوتاه‌مدت از مسیر بلندمدت تعدیل شود. ضریب یادشده در این مدل نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت رابطه تعادلی بلندمدت است. بر این اساس اثر یک شوک بر متغیرهای سهولت کسب و کار در کوتاه‌مدت حدود دو دوره ( $1/81$ ) زمان به طول خواهد انجامید و پس‌از آن، رابطه کوتاه‌مدت نیز در مسیر رابطه تعادلی بلندمدت قرار خواهد گرفت.

#### برآورد مدل PARDL برای کشورهای توسعه یافته

##### آماره‌های توصیفی

در جدول ۶، در خصوص متغیر اقتصاد سایه‌ای، مقدار میانگین  $19/957$  می‌باشد که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است؛ مقدار میانه  $14/6$  می‌باشد که نشان‌دهنده آن است که نیمی از داده‌ها از آن کوچک‌تر و نیمی دیگر بزرگ‌تر از آن هستند؛ بزرگترین مقدار متغیر اقتصاد سایه‌ای  $1309/0$  و کمترین آن  $4/8$  می‌باشد. همچنین انحراف معیار با مقدار  $67/802$  بوده که معرف پراکندگی داده‌ها از مقدار میانگین است؛ با توجه به مقدار  $356/958$  چولگی برای متغیر اقتصاد سایه‌ای، توزیع کاملاً متقارن نیست و همین‌طور مقدار  $18/749$  برای کشیدگی، مقدار قله‌ی توزیع مورد نظر از توزیع نرمال بالاتر است.

جدول ۶- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (کشورهای نفتی کشورهای توسعه یافته)

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اقتصاد سایه‌ای	19/957	14/6	1309/0	4/8	67/802	18/749	356/958
سهولت در کسب و کار	34/304	28	151	1	24/260	0/898	3/921
ارکان نهاده‌محور	37/524	29	160	1	29/518	1/567	5/869
ارکان کارایی‌محور	31/758	28	121	1	21/750	0/884	3/610
ارکان خلاقیت‌محور	77/503	83	99	16	19/016	-1/446	4/478

منبع: یافته‌های محقق (نرم افزار ایویوز)

#### تخمین مدل PARDL برای کشورهای نفتی توسعه یافته

نتایج حاصل از برآورده بلندمدت و کوتاه مدت تاثیر اقتصاد سایه‌ای ( $SHD_{it}$ ) بر ارکان نهاده‌محور ( $GCIF_{it}$ )، ارکان کارایی‌محور ( $GCI_{it}$ )، ارکان خلاقیت‌محور ( $GCI_{it}$ ) رقابت‌پذیری و نیز شاخص سهولت در کسب و کار ( $EDB_{it}$ ) کشورهای نفتی کشورهای توسعه یافته برای دوره زمانی  $2005-2020$  رویکرد (PARDL) در جدول ۷ نشان داده شده است:

نتایج حاصل از برآورد (جدول ۷-۰) با لحاظ عرض از مبدا و روند، نشان‌دهنده آن است که در بلندمدت، بین اقتصادسایه‌ای (SHD<sub>it</sub>) و ارکان کارایی محور (GCI<sub>it</sub>)، ارکان نهاده محور (GCI<sub>f it</sub>) و ارکان خلاقیت محور رقابت-پذیری (GCI<sub>e it</sub>) کشورهای نفتی توسعه یافته رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش یک واحدی شاخص ارکان کارایی محور، انتظار می‌رود که رتبه اقتصاد سایه‌ای ۰/۰۲۱ واحد کاهش یابد و همین‌طور در صورت افزایش یک واحدی ارکان نهاده محور و ارکان خلاقیت محور رقابت‌پذیری، رتبه اقتصادسایه‌ای به ترتیب ۰/۰۲۸ و ۰/۰۱۴ واحد افزایش می‌یابد. این در حالی است که در کوتاه‌مدت، رابطه معنی‌داری بین هیچ‌کدام از ارکان رقابت-پذیری اقتصادسایه‌ای کشورهای نفتی توسعه یافته، تایید نگردید. همچنین، ضریب جمله تصحیح خطا در جدول ۰- نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت معناداری بین متغیرهای الگو است. این ضریب در سطح احتمال یک درصد معنادار و دارای علامت منفی است، به گونه‌ای که انتظار می‌رود در هر دوره، حدود ۰/۴۷۴- واحد انحراف رابطه کوتاه‌مدت از مسیر بلندمدت تعدیل شود. ضریب یادشده در این مدل نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت رابطه تعادلی بلندمدت است. بر این اساس اثر یک شوک بر متغیرهای رقابت‌پذیری در کوتاه‌مدت حدود دو دوره (۲/۱۱) زمان به طول خواهد انجامید و پس‌از آن، رابطه کوتاه‌مدت نیز در مسیر رابطه تعادلی بلندمدت قرار خواهد گرفت.

جدول ۷- نتایج برآورد بلندمدت و کوتاه مدت اقتصاد سایه‌ای بر ارکان رقابت‌پذیری کشورهای نفتی توسعه یافته

بلند مدت				
نام متغیر	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	آماره t	مقدار احتمال
GCI	-0/021	0/005	-3/996	0/000
GCI <sub>f</sub>	0/028	0/005	5/812	0/000
GCI <sub>e</sub>	0/014	0/003	4/114	0/000
کوتاه مدت				
D(GCI)	0/015	0/009	1/604	0/110
D(GCI <sub>f</sub> )	0/007	0/006	1/129	0/260
D(GCI <sub>e</sub> )	0/002	0/007	0/271	0/786
عرض از مبدا	7/156	1/977	3/620	0/000
روند	-0/093	0/040	-2/348	0/020
تصحیح خطا	-0/474	0/092	-5/162	0/000

منبع: یافته‌های محقق (نرم افزار ایویوز)

همچنین، نتایج حاصل از برآورد کوتاه مدت و بلندمدت تاثیر اقتصاد سایه‌ای (SHD<sub>it</sub>) بر شاخص سهولت در کسب و کار (EDB<sub>it</sub>) کشورهای نفتی توسعه یافته برای دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۵ رویکرد (PARDL) در جدول ۸ نشان داده شده است.

نتایج حاصل از برآورد (جدول ۸) با لحاظ عرض از مبدا و روند، نشان‌دهنده آن است که در بلندمدت، بین اقتصاد سایه‌ای ( $SHD_{it}$ ) و شاخص سهولت در کسب و کار ( $EDB_{it}$ ) کشورهای نفتی توسعه‌یافته رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که با افزایش یک واحدی شاخص سهولت در کسب و کار، انتظار می‌رود که رتبه اقتصاد سایه‌ای ۰/۰۰۸ واحد افزایش یابد این درحالی است که در کوتاه‌مدت، رابطه معنی‌دار بین شاخص سهولت در کسب و کار و اقتصاد سایه‌ای کشورهای نفتی توسعه یافته، تایید نگردد. همچنین، ضریب جمله تصحیح خطا در جدول نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت معناداری بین متغیرهای الگو است. این ضریب در سطح احتمال یک درصد معنادار و دارای علامت منفی است، به گونه‌ای که انتظار می‌رود در هر دوره، حدود ۰/۹۰۲- واحد انحراف رابطه کوتاه‌مدت از مسیر بلندمدت تعدیل شود. ضریب یادشده در این مدل نشان‌دهنده سرعت تعدیل به سمت رابطه تعادلی بلندمدت است. بر این اساس اثر یک شوک بر متغیرهای سهولت کسب و کار در کوتاه‌مدت حدود یک دوره (۱/۱) زمان به طول خواهد انجامید و پس‌از آن، رابطه کوتاه‌مدت نیز در مسیر رابطه تعادلی بلندمدت قرار خواهد گرفت.

جدول ۸- نتایج برآورد بلندمدت و کوتاه مدت اقتصاد سایه‌ای بر ارکان رقابت‌پذیری کشورهای نفتی توسعه یافته

بلندمدت				
مقدار احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضریب رگرسیون	نام متغیر
0/008	2/685	0/003	0/008	EDB
کوتاه مدت				
0/076	1/785	0/072	0/128	D(EDB)
0/000	-8/880	0/117	-1/035	عرض از مبدا
0/000	3/986	0/010	0/039	روند
0/000	-12/272	0/074	-0/902	تصحیح خطا

منبع: یافته‌های محقق (نرم افزار ایویوز)

### بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاد سایه برای سال‌ها پدیده‌ای بوده است که تقریباً در همه کشورها مشاهده می‌شود و خود را به عنوان مانعی در برابر توسعه اقتصادی ملی نشان می‌دهد و رقابت‌پذیری آن را کاهش می‌دهد. پدیده اقتصاد سایه تاکنون در سطح ملی یا بین‌المللی مورد توافق قرار گرفته است. نتایج تحقیقات به ما امکان می‌دهد دو جهت کاهش اندازه اقتصاد سایه را تشخیص دهیم - واقعی و استراتژیک. اولی شامل اقدامات جاری و عملیاتی مانند کاهش موانع مالیاتی، ارتقای روحیه مالیاتی، بهبود کیفیت نهادی، متعادل کردن تنظیم بازار کار و غیره است، در حالی که دومی در درجه اول تسریع توسعه اقتصادی ملی را پوشش می‌دهد.

بیشترین بخش از مطالعات فعلی را می‌توان منحصراً به دسته اول اختصاص داد، زیرا آن‌ها فقط به اقدامات محلی می‌پردازند که مطمئناً به کاهش اندازه اقتصاد سایه کمک می‌کند، اما اصولاً چگونگی حل این مشکل را

توضیح نمی‌دهند. الگوهای عمومی اقتصاد سایه تأثیر عوامل سطح محلی بر اقتصاد سایه در تولید ناخالص داخلی سرانه ادغام می‌شود که نسبتاً به طور عینی توسعه اقتصادی ملی را به عنوان یک کل منعکس می‌کند. درباره نقش نفت در توسعه کشور در کل دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: از یک طرف غالب صاحب نظران اعتقاد دارند که نفت منابع مالی چشمگیری را برای مصرف و سرمایه‌گذاری در ایران به ارمغان آورده و بدین ترتیب امکان رشد سریع‌تری را برای درآمد ملی و برای مصرف فراهم کرده است. بدون شک در نبود نفت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی با چنین سرعتی امکان‌پذیر نبود. از طرف دیگر، برخی معتقدند که ضعف‌های ساختاری و نهادینه جامعه ایران، موانعی برای استفاده مناسب از پتانسیل درآمدهای نفتی ایجاد و بعضاً رانت‌های نفتی آن، ضعف‌ها را تشدید کرده است. در نتیجه، در حالی که درآمد نفت از بعضی جهات به مصرف و تولید در ایران کمک کرده، از جهات دیگر باعث عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی شده است. البته چنانچه از استدلال این گروه بر می‌آید، مشکل نه در نفت که در ساختارهایی نهفته است که شیوه استفاده از نفت را تعیین می‌کنند. به همین خاطر، گروهی از هواداران این دیدگاه معتقدند که با کوشش جهت جبران ضعف‌های ساختاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب، می‌توان اثر مثبت نفت بر اقتصاد ایران را تقویت کرد. ولی عده زیادی هم مشکل اصلی را وجود رانت‌های نفتی می‌دانند. به نظر آن‌ها، نفت در مجموع بلای بزرگی برای ایران بوده است. مبنای نظری ارتباط بین رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی را باید در فرایند توسعه جست‌وجو کرد. بر اساس تئوری‌های توسعه مانند تئوری روستو، توسعه، فرایندی چندمرحله‌ای است؛ بدین صورت که بدون موفقیت در یک مرحله، امکان طی مرحله دیگر وجود ندارد. اما آنچه در هر مرحله از فرایند توسعه اتفاق می‌افتد، باعث جهش اقتصادی و رقابت‌پذیر شدن می‌شود. در واقع مبنای تئوریک بین رقابت‌پذیری اقتصاد و رشد اقتصادی را باید در تحولات نوین اقتصاد جهانی جست‌وجو کرد. امروزه، اقتصاد پدیده‌ای بدون مرز جغرافیایی تعریف می‌شود. پاسخ به نیاز مشتریان و سهم‌بری مناسب از بازار، نیازمند تولید فرا ملیتی و بهبود روزانه بهره‌وری است. زمانی که در بستر تحولات نوین اقتصادی، رقابت شدید بهره‌وری و نوآوری حاکم است، اگر اقتصادی نتواند توانایی رقابت خود را بهبود دهد یا حداقل حفظ کند، نیل به رشد اقتصادی با مانع بسیار جدی رو به رو خواهد بود. در چنین وضعیتی تنها هدف و تمرکز اقتصاد، روی حفظ بازار داخلی خواهد بود و تمام توان اقتصاد در مسیر مقابله با ورود کالاهای خارجی برای حفظ بنگاه‌های تولیدی داخلی (که تنها در بازار داخلی عمل می‌کنند)، بکار خواهد رفت. نتیجه چنین عملکردی، رشد اقتصادی پایین و پرنوسانی خواهد بود. لذا رشد اقتصادی در دنیای مدرن نمی‌تواند جدا از بهبود رقابت‌پذیری باشد. بنابراین امروزه، وقتی از رشد و توسعه یک کشور یا منطقه صحبت می‌شود. در اقتصادهای رقابتی، تعداد بیشتری از فرصت‌های شغلی نسبت به اقتصادهای کم‌رقابتی به وجود می‌آیند. بنابراین مراحل توسعه اقتصاد با ارکان رقابت‌پذیری گره خورده است. درباره ارتباط ارکان رقابت‌پذیری با محورهای توسعه، ۳ مرحله قابل تفکیک است: (۱) سطح نهادمحور، (۲) سطح کارایی-محور، (۳) سطح خلاقیت‌محور. اقتصاد سایه‌ای محیطی برای تولید کالاها و خدماتی است که محصول بنگاه‌ها و واحدهای صنعتی مقیاس کوچک هستند. لذا این بخش نقش مکمل برای اقتصاد رسمی ایفا می‌کند. نهایتاً، به دلیل عدم وجود قوانین و مقررات دست و پا گیر و فشارهای مالیاتی، بخش اقتصاد سایه‌ای فضای مناسبی برای رشد نوآوری است. البته این موضوع بیش‌تر در مورد کشورهای در حال توسعه مصداق دارد. اقتصاد سایه‌ای،

منابع حیاتی از اقتصاد رسمی را جذب می‌کند و تا حدی مانع اجرای سیاست‌هایی می‌شود که برای منافع عمومی ضروری هستند. همچنین اندازه اقتصاد سایه‌ای کشورها متفاوت است و حتی در برخی کشورها از یک چهارم تولید ناخالص داخلی (GDP) تجاوز می‌کند. اگرچه برخی اقتصادهای سایه‌ای ممکن است اثرات مفیدی برای برخی شهروندان یا حتی اقتصاد رسمی یک کشور داشته باشند، در کل اقتصاد سایه‌ای به رقابت‌پذیری کشور آسیب می‌رساند؛ زیرا اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به آن کشور و در نتیجه احتمال همکاری آن‌ها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، رقابت‌پذیری می‌تواند انگیزه‌هایی برای وارد کردن عملیات‌های زیرزمینی به سطح زمین و در نتیجه مبارزه با اقتصاد اعلام‌نشده ارائه دهد. این تحقیق با استفاده از روش‌های مناسب اقتصادسنجی، شواهدی پیدا نمود که هر چه یک کشور رقابتی‌تر باشد، با توجه به شاخص رقابت‌پذیری جهانی، اقتصاد سایه‌ای آن کوچک‌تر می‌شود (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی). به‌طور دقیق‌تر، همان‌طور که مورد پیش‌بینی بود، یک رابطه منفی بین اقتصاد سایه‌ای و رقابت‌پذیری جهانی وجود دارد که این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران مربوطه در مهار اقتصاد سایه‌ای با هدایت مناسب به سوی افزایش رقابت‌پذیری کشور کمک کند. نتایج این پژوهش با تحقیقات یونس<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۲۲)، ایشاک و فرزنانگان<sup>۲</sup> (۲۰۲۲)، دیوین<sup>۳</sup> (۲۰۲۱)، نگوین و دونگ<sup>۴</sup> (۲۰۲۱)، باکلوتی و بوجلبنه<sup>۵</sup> (۲۰۲۰)، شریفی و دیگران (۱۴۰۱) و کارازموده فرد و دیگران (۱۴۰۰) همسو است. کشوری که علاقمند به حصول اطمینان از این باشد که اقتصاد سایه‌اش گسترش نخواهد یافت؛ باید میزان رقابت‌پذیری خود را بهبود بخشد. رقابت یک مفهوم چند بعدی و پیچیده است، به خصوص زمانی که به اقتصاد ملی اشاره دارد. شاخص‌های مختلف رقابت‌پذیری، اندازه آن و همچنین ابعاد آن را با توجه به فعالیت تجاری، زیرساخت و محیط‌های نهادی و اقتصاد کلان توصیف می‌کنند. در عین حال، رقابت‌پذیری یک کشور در درجه اول به توسعه اقتصادی آن بستگی دارد که به نوبه خود تحت‌تاثیر چند عامل قرار می‌گیرد. برخی از این موارد، مانند سرمایه‌گذاری، شرایط کسب‌وکار مطلوب، محیط قانونی، و غیره، توسعه اقتصادی را ارتقا می‌دهند، در حالی که برخی دیگر، مانند بهره‌وری پایین نیروی کار، صلاحیت ناکافی کارکنان و غیره که نمی‌تواند الزامات بازار کار را برآورده کند، سرعت توسعه اقتصادی را کند می‌کنند. مورد دیگری که در این تحقیق تایید شد، وجود رابطه بلندمدت بین سهولت کسب و کار با اندازه اقتصاد سایه‌ای آن است. در همین رابطه شواهدی وجود دارد که یک کشور ممکن است بتواند با افزایش قابلیت سهولت در کسب و کار با اقتصاد سایه‌ای مبارزه کند. در واقع، اقتصاد سایه‌ای یک کشور نتیجه تعامل بین توسعه اجتماعی-اقتصادی و عوامل روانی و فرهنگی طولانی‌مدت آن است. برخی از این عوامل را می‌توان تنها با توجه به اقتصاد سایه‌ای و رقابتی شدن به‌عنوان عوامل تاثیرگذار در نظر گرفت و به رسمیت شناخت، اما آن‌ها را حداقل در کوتاه‌مدت نمی‌توان به طور قابل توجهی تحت‌تاثیر قرار داد، این مسائل را می‌توان از نظر مشکل ذهنیت مردم مورد توجه قرار گیرد. یک راه عملی برای مقابله با مشکل اقتصاد سایه‌ای، یعنی کاهش اندازه این پدیده، ترویج

<sup>1</sup> Younas

<sup>2</sup> Ishak and Farzanegan

<sup>3</sup> Devine

<sup>4</sup> Nguyen and Duong

<sup>5</sup> Baklouti and Boujelbene

توسعه اجتماعی-اقتصادی و سهولت کسب و کار است. زمانی که یک اقتصاد در حال رشد است، سهولت کسب و کار، توان رقابتی یک کشور را نیز افزایش می‌دهد و از همه مهم‌تر، به شکل‌گیری نگرش مثبت عمومی نسبت به خودکارآمدی کمک می‌کند. با افزایش پویایی کسب‌وکار، پرورش مهارت‌ها، ترویج اتخاذ فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، افزایش اندازه بازار و زیرساخت‌ها قابل دستیابی است. علاوه بر این، قوانین بازدارنده و استانداردهای بالاتر زندگی ممکن است به کاهش اقتصاد سایه‌ای منجر شود. سطوح بالاتر تولید ناخالص داخلی نیز به طور بالقوه از طریق ثبات اقتصاد کلان، نظام مالی قوی‌تری را فراهم نموده و می‌تواند در صدر دستورالعمل‌هایی که برای مهار بیکاری تدوین می‌شود، کمک‌های بیشتری را در این حوزه ارائه دهد، چرا که افراد می‌توانند از طریق اقتصاد رسمی به جای اقتصاد غیررسمی، معاملات را انجام دهند. در همین راستا، به نظر می‌رسد افزایش صادرات به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، یک ابزار مفید به سمت کاهش اقتصاد سایه‌ای باشد. این در حالی است که کاهش پیامدهای اقتصاد سایه‌ای از طریق سهولت در کسب و کار و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و صادرات (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) قطعاً کار دشواری برای کشورهای مربوطه است. با این حال، رسیدن به سطوح بالاتر رقابت (درک شده) غیرقابل‌تصور نیست. با توجه به یافته‌های تحقیق، بطور کلی می‌توان بیان نمود، هم رقابت‌پذیری که توانایی یک کشور برای حفظ مزیت‌های نسبی به منظور حمایت از رشد اقتصادی و رونق شهروندان خود است و هم سهولت کسب و کار با اقتصاد سایه‌ای مرتبط هستند. پیشنهادهای بر اساس یافته‌های پژوهش عبارتند از:

(۱) با توجه به ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای با ارکان نهاده محور، کارایی محور و خلاقیت محور رقابت‌پذیری، توجه به درجه توسعه‌یافتگی کشورها در سیاست‌گذاری‌ها و نیز اجرای برنامه‌ها، حائز اهمیت است. در واقع، سیاست‌های اجرایی هر کشور با توجه به سطح توسعه‌یافتگی، متفاوت است. لذا برخی کشورها در برخی ارکان رقابت‌پذیری نیاز به بهبود دارند و در برخی دیگر این ضرورت محسوس نیست. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود این امر در بهبود فعالیت‌های مرتبط با ارتقاء رقابت‌پذیری و سهولت کسب‌وکار و نیز کاهش-اقتصادسایه‌ای مدنظر قرار گیرد.

(۲) با توجه به نتایج تحقیق، مبنی بر ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای و رقابت‌پذیری به کشورها نفتی در حال توسعه و توسعه‌یافته جهت دستیابی به رقابت‌پذیری مطلوب در سطح ملی پیشنهاد می‌شود، به عواملی همچون «زیرساخت قانونی و قضایی سالم»، «رژیم رقابتی موثر»، «مقررات مناسب بازار محصولات دوست‌دار رقابت» و «رژیم ورشکستگی کارآمد» توجه ویژه‌ای نموده، چرا که بدون این موارد، صنعت امکان «کارایی در تخصیص»، «کارایی در تولید» و «کارایی در پویایی» را نخواهد داشت. این سه مورد که زمینه ظهور نیروهای بازار را فراهم می‌کنند، زمینه تخصیص منابع به شرکت‌های بهره‌وری را فراهم کرده، کاهش هزینه را در عمل به نمایش گذاشته و انگیزه توسعه در صنعت را برای شرکت‌های تازه‌وارد ایجاد می‌کند.

(۳) طبق نتایج تحقیق مبتنی بر ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای و شاخص سهولت در کسب و کار، توجه به عوامل مؤثر در این حوزه می‌تواند بر سطح سهولت در کسب‌وکار و متعاقباً کاهش اقتصاد سایه‌ای و رشد اقتصادی پایدار، کمک کننده باشد. لذا برای رسیدن به این هدف، پیشنهاد می‌گردد که دولت‌ها با سیاست‌گذاری و اقدامات مناسبی هم‌چون:

- اجرای صحیح قانون مالیات‌بر ارزش افزوده و قانون جامع مالیاتی کشور به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی و کاهش بروکراسی‌های زائد اداری؛
  - هماهنگ‌سازی نرخ سود و کارمزد تسهیلات وام اعطایی از سوی بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری با نرخ بازدهی تولید در ایران (هم اکنون نرخ بازدهی تولید در ایران در خوشبینانه ترین شرایط ۹٪ است در حالی که نرخ سود بانکی براساس پیشنهاداتی که به شورای عالی پول و اعتبار شده است حداقل ۲۰٪ برای عقود مشارکتی خواهد بود)؛
  - الزام دولت به اجرایی سازی قانون سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و افزایش سهم و نقش بخش خصوصی واقعی در اقتصاد کشور؛
  - تکریم مقام والای کارآفرین در جامعه به عنوان ستاره‌های جامعه؛ و...
  - بر شکل‌گیری و عملکرد کسب و کارها و ارتقای سهولت در کسب و کار، اثرگذار باشند.
- (۴) با توجه به ارتباط بین اقتصاد سایه‌ای و رقابت‌پذیری و نیز سهولت کسب و کار، دولت‌ها و سیاست‌گذاران باید با توجه به سطح توسعه یافتگی کشور و با درک این موضوع که شرایط توسعه یافتگی کشور و وجود ابزارهای لازم برای افزایش میزان کمی و کیفی سطح فرهنگی افراد در کشورهای مختلف، متفاوت است. برنامه‌های آموزشی متفاوتی را جهت نهادینه کردن فرهنگ اقتصاد رسمی و نیز تفهیم مضرات اقتصاد سایه‌ای، تصویب و اجرا کنند و از اجرای برنامه‌های یکسان بپرهیزند.
- (۵) با توجه به نتایج تجربی در این پژوهش، ارکان رقابت‌پذیری که از جمله عوامل مؤثر بر سطح توسعه کشورها هستند، هیچ کدام جایگزین یکدیگر نمی‌توانند باشند و لذا پیشنهاد می‌گردد، برای اثربخشی سیاست‌های دولت‌ها و افزایش بهره‌وری، این ارکان مجزا و به صورت مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند تا بدین وسیله بکارگیری کارآمد ارکان مذکور در راستای بهبود وضعیت رقابت‌پذیری محقق گردد.

#### فهرست منابع

- آذرمنند، حمید. (۱۳۸۶). ارزیاب اقتصاد پنهان در ایران. *حسابهای اقتصادی ایران*، ۲(۳)، ۲۴-۴۳.
- اسمعیل پوریان کاندستار، نجیب. (۱۳۹۹). تأثیر درآمدهای نفتی و رشد پول بر روی اقتصاد سایه‌ای در ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه ارومیه.
- جعفری صمیمی، احمد؛ گیلک حکیم آبادی، محمدتقی؛ و غیبی حاجی ور، سیاوش. (۱۳۹۶). تأثیر نوسانات حق الضرب بر روی بخش زیرزمینی اقتصاد ایران: رهیافت DSGE. *مطالعات و سیاست های اقتصادی*، ۱۳(۱)، ۲۸-۳.
- حق نژاد، امین؛ و فراهتی، محبوبه. (۱۳۹۹). ارتباط میان رشد اقتصادی، مصرف انرژی و اقتصاد سایه‌ای در ایران. *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، ۷(۲)، ۸۹-۱۲۰.
- رشیدی، احمد؛ و موسوی، سیدصالح. (۱۳۹۸). درآمدهای نفتی و آثار متعارض آن بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران و نروژ. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، ۲(۱)، ۳۷۳-۴۰۲.

- رفاح کهریز، آرش؛ محمدزاده، یوسف؛ محسنی زنوزی، سیدجمال‌الدین؛ هاشمی برنج‌آبادی، نیر؛ و قاسم‌زاده، نگار. (۱۳۹۸). تاثیر رقابت‌پذیری بر عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲۵(۷)، ۸۷-۱۰۷.
- رنانی، محسن؛ میرزایی، محمد؛ و اربابیان، شیرین. (۱۳۹۱). بخش غیررسمی و ظرفیت مالیاتی از دست رفته (مطالعه موردی: استان کهگیلویه و بویراحمد). *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۲(۴۴)، ۹۹-۱۳۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ کردیچه، حمید؛ و شاهسوندی، هانیه. (۱۳۹۹). اندازه‌گیری حجم اقتصاد زیرزمینی در کشورهای منتخب در حال توسعه دارای فراوانی منابع طبیعی. *اقتصاد و تجارت نوین*، ۴۳(۱۵)، ۵۱-۸۰.
- شریفی، سیدمحمدرضا؛ حقیقت، علی؛ ابراهیمی، مهرزاد؛ و امینی فرد، عباس. (۱۴۰۱). بررسی اثر توسعه مالی و مالیات بر اقتصاد زیرزمینی؛ مطالعه موردی ایران. *فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۲(۴۶)، ۶۷-۸۸.
- شهاب، محمدرضا؛ و پژویان، جمشید. (۱۳۹۴). ارتباط بین اقتصاد سایه ای و رشد اقتصادی: یک تحلیل تجربی با استفاده از سیستم معادله‌های پنل همزمان، *اقتصاد مالی*، ۳۰(۹)، ۲۸-۱.
- شهبازی، کیومرث؛ حسن زاده، خدیجه؛ و خوش‌خبر، وحید. (۱۳۹۹). اثرات نامتقارن اقتصاد سایه‌ای بر توسعه مالی در ایران با رویکرد مدل NARDL. *پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار (پژوهشهای اقتصادی)*، ۲۰(۱)، ۱۸۵-۲۰۴.
- فلاحتی، علی؛ نظری، سهیلا؛ و پشته‌کشی، مریم. (۱۳۹۹). کیفیت نهادی، رانت منابع طبیعی و اقتصاد سایه‌ای. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۱(۳۹)، ۱۴۹-۱۸۵.
- عمادزاده، مصطفی؛ و رفیعی طباطبایی، زهرا. (۱۳۹۱). تحلیلی پیرامون اقتصاد زیرزمینی و عوامل موثر بر آن در منتخبی از کشورهای توسعه یافته. *پژوهشنامه اقتصاد کلان (پژوهشنامه علوم اقتصادی)*، ۷(۱۳)، ۸۳-۹۶.
- کارازموده فرد، یونس؛ میرزاپور باباجان، اکبر؛ هادی زاده، آرش؛ و اکبری مقدم، بیت‌الله. (۱۴۰۰). رابطه علیت بین توسعه مالی و اقتصاد زیرزمینی در ایران: رویکرد MIMIC و علیت هسیانو. *اقتصاد مالی*، ۱۵(۱۵)، ۱۶۵-۱۸۶.
- نادرنیا، نجمه. (۱۳۹۸). *رابطه‌ی بین اقتصاد سایه‌ای و مصرف انرژی در ایران با استفاده از الگوی NARDL* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- Ajide, Folorunsho Monsuru; Dada, James Temitope; & Olowookere, Johnson Kolawole. (2022). Shadow economy and foreign direct investment in Nigerian manufacturing industry. *International Journal of Economics and Business Research*, 23(2), 156-180.
- Azarmand, Hamid. (2007). Evaluating the hidden economy in Iran. *Economic Accounts of Iran*, 2(3), 24-43. In Persian.
- Baklouti, Nedra; & Boujelbene, Younes. (2020). A simultaneous equation model of economic growth and shadow economy: Is there a difference between the developed and developing countries? *Economic Change and Restructuring*, 53(1), 151-170.
- Bundesbank, Deutsche. (2019). Cash demand in the shadow economy. *Monthly Report*, 3, 43-48.
- Devine, Hilary. (2021). How Institutions Shape the Informal Economy. *The Global Informal Workforce*, 220.

- Eilat, Yair; & Zinnes, Clifford. (2000). The evolution of the shadow economy in transition countries: consequences for economic growth and donor assistance. *Harvard Institute for International Development, CAER II Discussion Paper*, 83, 1-70.
- Emadzadeh, Mustafa; and Rafiei Tabatabaei, Zahra. (2012). An analysis of the underground economy and the factors affecting it in a selection of developed countries. *Research Journal of Macroeconomics (Research Journal of Economic Sciences)*, 7(13), 83-96. In Persian.
- Esmail Pourian Kandstar, Najib. (2019). The effect of oil revenues and money growth on the shadow economy in Iran (Master's thesis). Urmia University. In Persian.
- Falahati, Ali; Nazari, Sohaila; & Poshteh keshi, Maryam. (2019). Institutional quality, rent of natural resources and shadow economy. *Economic Modeling Research Quarterly*, 11(39), 149-185. In Persian.
- Feige, Edgar L. (1997). Revised estimates of the underground economy: Implications of US currency held abroad.
- Ginevicius, Romualdas; Klietk, Tomas; Stasiukynas, Andrius; & Suhajda, Karel. (2020). The impact of national economic development on the shadow economy. *Journal of Competitiveness*, 12(4), 39.
- Haqnejad, Amin; & Farahti, Mehbooba. (2019). The relationship between economic growth, energy consumption and shadow economy in Iran. *Review of Iran's Economic Issues*, 7(2), 89-120. In Persian.
- Ishak, Phoebe W; & Farzanegan, Mohammad Reza. (2022). Oil price shocks, protest, and the shadow economy: Is there a mitigation effect? *Economics & Politics*, 34(2), 298-321.
- Jafari Samimi, A., Gilak Hakimabadi, M., & gheibi, S. (2017). The Impact of Seigniorage Volatility on Underground Economy in Iran: a DSGE Approach. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 4(1), 3-28.
- Karazmoodeh Fard, Yunus; Mirzapour Babajan, Akbar; Hadizadeh, Arash; and Akbari Moghadam, Baitullah. (2021). Causal relationship between financial development and underground economy in Iran: MIMIC approach and Hsiao causality. *Financial Economics*, 57(15), 165-186. In Persian.
- Medina, Leandro; & Schneider, Mr Friedrich. (2018). *Shadow economies around the world: what did we learn over the last 20 years?* International Monetary Fund.
- Nadernia, Najmeh. (2018). The relationship between the shadow economy and energy consumption in Iran using the NARDL model (Master's Thesis). University of Sistan and Baluchestan.
- Nguyen, Diep Van; & Duong, My Tien Ha. (2021). Shadow economy, corruption and economic growth: an analysis of BRICS countries. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(4), 665-672.
- oel, Rajeev K; Saunoris, James W; & Schneider, Friedrich. (2019). Growth in the shadows: effect of the shadow economy on US economic growth over more than a century. *Contemporary Economic Policy*, 37(1), 50-67.
- Ogunc, Fethi; & Yılmaz, Gökhan. (2000). *Estimating the underground economy in Turkey*. Research and Monetary Policy Department, Central Bank of the Republic of Turkey.
- Omodero, Cordelia Onyinyechi. (2019). The financial and economic implications of underground economy: The Nigerian perspective. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 8(2), 155-155.
- Poufinas, Thomas; Galanos, George; & Agiropoulos, Charalampos. (2021). The Impact of Competitiveness on the Shadow Economy. *International Advances in Economic Research*, 27(1), 29-46.
- Rafah Kahriz, Arash; Mohammadzadeh, Yusuf; Mohseni Zenouzi, Seyyed Jamaluddin; Hashemi Brinzabadi, Nayyer; and Ghasemzadeh, Negar. (2018). The impact of competitiveness on

- economic performance in selected developing and developed countries. Strategic and macro policies, 25(7), 107-87. In Persian.
- Rashidi, Ahmed; and Mousavi, Seyyed Saleh. (2018). Oil revenues and their conflicting effects on economic growth and development in Iran and Norway. *International Political Economy Studies*, 2(1), 373-402. In Persian.
- Renani, Mohsen; Mirzaei, Mohammad; Arbabian, Shirin. (2012). The informal sector and the lost tax capacity (case study: Kohgiluyeh and Boyer Ahmad provinces). *Economic Research Journal*, 12(44), 130-99.
- Rutkauskas, Aleksandras Vytautas; & Stasytyte, Viktorija. (2020). Stochastic informative expert system for investment. *Journal of Business Economics and Management*, 21(1), 136-156.
- Sahnoun, Marwa; & Abdennadher, Chokri. (2019). The nexus between unemployment rate and shadow economy: a comparative analysis of developed and developing countries using a simultaneous-equation model. *Economics Discussion Papers*.
- Shahabadi, Abulfazl; Author: Kordbache, Hamid; and Shahsavandi, Haniyeh. (2019). Measuring the size of the underground economy in selected developing countries with abundant natural resources. *Modern Economics and Business*, 43(15), 51-80. In Persian.
- Sharifi, Seyyed Mohammadreza; Haghghat, Ali; Ebrahimi, Mehrzad; and Amini Fard, Abbas. (2022). Examining the effect of financial development and taxation on the underground economy; A case study of Iran. *Scientific Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 12(46), 67-88. In Persian.
- Shahab, Mohammadreza; and Pazhouyan, Jamshid. (2015). The relationship between the shadow economy and economic growth: an empirical analysis using a system of simultaneous panel equations, *Financial Economics*, 30(9), 1-28. In Persian.
- Shahbazi, Kiyomarth; Hassanzadeh, Khadija; & Khosh khabar, Vahid. (2019). Asymmetric effects of shadow economy on financial development in Iran with NARDL model approach. *Sustainable Development and Growth Research (Economic Research)*, 20(1), 185-204. In Persian.
- Schneider, Friedrich. (2011). *Handbook on the shadow economy*. Edward Elgar Publishing.
- Soares, Cláudia; & Afonso, Óscar. (2019). The Non-Observed Economy in Portugal: The monetary model and the MIMIC model. *Metroeconomica*, 70(1), 172-208.
- Wu, Dong Frank; & Schneider, Friedrich. (2021). Nonlinearity between the Shadow Economy and Economic Development. *The Global Informal Workforce*, 85.
- Younas, Zahid Irshad; Qureshi, Atiqa; & Al-Faryan, Mamdouh Abdulaziz Saleh. (2022). Financial inclusion, the shadow economy and economic growth in developing economies. *Structural Change and Economic Dynamics*.
- Zaman, Gheorghe; & Goschin, Zizi. (2015). Shadow economy and economic growth in Romania. Cons and pros. *Procedia Economics and Finance*, 22, 80-87.

## **The relationship between the shadow economy and the factors of competitiveness in developed and developing oil countries**

**Ali Naghizadeh**

PhD student of Financial Engineering, Department of Accounting and Management, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.  
ali.naghizadeh@ymail.com

**Narges Yazdanian**

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting and Management, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.  
(Corresponding Author)  
nargesyazdanian@gmail.com

**Seyyed Alireza Mirarab Beygi**

Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting and Management, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.  
mirarab\_alireza@yahoo.com

**Kiumars Arya**

Assistant Professor of Economical science, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Tehran, Iran  
kiumarsarya86@gmail.com

### **Abstract**

The purpose of this research is the comparative analysis of the relationship between the shadow economy and the elements of competitiveness in developed and developing oil countries. The current research is applied in terms of purpose, descriptive-analytical in terms of inference method, and post-event in terms of the overall design of the research. The final sample used for this study is the data of 72 developing oil countries during the years 2005-2020. At the descriptive level of data analysis, average and standard deviation statistics were used. In addition, the data was analyzed by applying Eviews software through vector autoregression with panel distribution breaks (PARDL). The results showed that in the short term there is a significant relationship between the shadow economy and the input-oriented elements of the developing oil countries, but the significant relationship between the shadow economy and the efficiency-oriented and creativity-oriented elements of the competitiveness of the developing oil countries was not confirmed. Also, in the long term, there is a significant relationship between the shadow economy and the input-oriented and creativity-oriented elements of the developing oil countries, but the significant relationship between the shadow economy and the efficiency-oriented elements of the competitiveness of the developing oil countries was not confirmed. In addition, in the short term, a significant relationship was not confirmed between any of the elements of competitiveness and the shadow economy of the developed oil countries. This is despite the fact that in the long term, there is a significant relationship between the shadow economy and the efficiency-oriented, input-oriented and creativity-oriented elements of the competitiveness of developed oil countries. Also, in the long term, there is a significant relationship between the shadow economy and the efficiency-oriented and input-oriented elements of the developed and developing oil countries, but the significant relationship between the shadow economy and the creativity-oriented elements of the competitiveness of the developing oil countries was not confirmed. In addition, in the long term, there is a significant relationship between the shadow economy and the index of ease of doing business in developed and developing oil countries, but in the short term, there is a significant relationship between the index of ease of doing business and the shadow economy of oil countries.

**Keywords:** shadow economy, competitiveness, ease of doing business

